

بسمه تعالی

اندیشه امام خمینی(ره) در عصر حاضر و گره‌گشایی از مسائل پیش‌رو



مقدمه

با گذشت چندین سال از رحلت حضرت امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، باید از خود پرسید تا چه اندازه اندیشه‌های عارفی فقیه و فیلسوفی سیاست‌مدار را در فضای فکری- فرهنگی جامعه ایران زنده نگه داشته‌ایم و به‌ویژه نسل کنونی را با اندیشه و شخصیت چندبُعدی و متعالی آن مرد الهی آشنا کرده‌ایم؟

مروری مختصر بر حوزه‌های فرهنگی و فکری ایران پاسخ رضایت بخشی به ما نمی‌دهد. البته کم‌کاری درباره زنده نگه‌داشتن اندیشه امام خمینی (ره) در هر یک از این دو حوزه وضعیت خاصی دارد. شاید در حوزه فکری و مطالعات و پژوهش‌های علوم انسانی، تحقیقات گوناگونی درباره ابعاد مختلف اندیشه امام راحل صورت می‌گیرد، اما بسیاری از این پژوهش‌ها در همان حیطه نظری و کتابخانه‌ای باقی مانده و در حد مورد انتظار مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای حل مسائل گوناگون کشور قرار نمی‌گیرد. در حوزه فرهنگی به صورت عام، یعنی فضای فرهنگی جامعه و افکار عمومی، وضعیت رضایت‌بخش نبوده و بازتاب و انعکاس اندیشه و مکتب فکری امام خمینی (ره) بیش از این مورد انتظار است، حتی دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای رسمی هم تنها به انتشار و پخش جملاتی کوتاه از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی اکتفا می‌کنند و در مجموع، یک مواجهه زنده با اندیشه و شخصیت ایشان وجود ندارد و در اذهان عمومی در کی از یک مواجهه‌ی تاریخی با رهبر کبیر انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

به نظر می‌رسد این نوع مواجهه بدین سبب است که اندیشه امام خمینی (ره) که اینک رهبر معظم انقلاب مبلغ و منادی همان اندیشه و مکتب هستند با مسائل کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن گونه که شایسته است پیوند داده نشده و اندیشه‌های ایشان بیشتر از منظری انتزاعی نگریسته شده است، در حالی که سراسر تأملات و اندیشه‌های امام (ره) در پاسخ به چگونگی زیست سیاسی- اجتماعی- فرهنگی فرد مسلمان در دنیای کنونی است؛ وضعیتی که هم لازم است فرد در آن از معنویت و اخلاق الهی برخوردار باشد و هم بتواند علم، دانش و فناوری مدرن را درونی و بومی کرده و موجبات پیشرفت جامعه اسلامی خود را فراهم سازد. فقدان چنین مواجهه‌ای با امام خمینی (ره) سبب فراموش شدن و یا خلاصه شدن اندیشه ایشان به حوزه‌های صرف مطالعاتی و نظری شده است.

البته نباید فراموش کرد که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای، مواجهه‌ای زنده، پویا و مستمر با اندیشه و شخصیت امام خمینی (ره) دارند و در بیاناتشان همواره به دیدگاه‌های حضرت امام (ره) ارجاع داده و به اذعان همگان مدیریت کلان نظام اسلامی را مبتنی بر اندیشه امام راحل دنبال می‌کنند، اما همه بحث بر سر این است که عمومی‌سازی اندیشه و یاد امام خمینی (ره) در حوزه‌های علمی و فضای عمومی کشور، نیازمند یک بسیج همگانی از سوی نیروهای انقلاب است، ضمن این که مقام معظم رهبری نیز بر این امر تأکید دارند و در این باره می‌فرمایند: «مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است... باید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع

حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی اینجور فکر می کنند - و این فکر غلطی است - که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نکوئیم یا کمرنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریح ترین بیانها، روشن ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. ... امام را باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دو رویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمی شود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم. ...»^۱

بنابراین در اینجا ضمن مروری بر جامعیت اندیشه و شخصیت امام راحل و چگونگی زنده نگه داشتن اندیشه های ایشان در فضای عمومی کشور، سعی می شود، جهت گره گشایی از مسائل کلان و مهمی که اکنون پیش روی کشور وجود دارد، از اندیشه امام خمینی (ره) بهره ببریم:

گسترده گی اندیشه و شخصیت امام خمینی (ره)

گسترده گی اندیشه و جامعیت شخصیت امام خمینی (ره) زبان زد خاص و عام است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی بسیاری از معارف و علوم اسلامی معقول و منقول مانند فقه، اصول، فلسفه و عرفان را فرا گرفته و در آن علوم از تخصص و مهارت های ویژه ای برخوردار بودند. علاوه بر اینها، امام خمینی (ره) به رشته های مختلف علمی علاقه مند بوده و به فراگیری علوم مختلف پرداختند. اساتید امام خمینی در ریاضیات، هیئت و فلسفه مرحوم حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و ادامه همین دروس به اضافه علوم معنوی و عرفانی نزد مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی بودند. عروض و قوافی و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را نزد مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و عالی ترین سطوح عرفان نظری و عملی را به مدت شش سال نزد مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی - اعلی الله مقاماتهم - آموختند و با آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی نیز مأنوس بودند. ایشان در دوران حضور در حوزه علمیه قم، چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در مدرسه فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملا صادق، مسجد سلماسی و ... تدریس می کردند و حوزه درسی ایشان از بیشترین مخاطب برخوردار بود، به گونه ای که شاگردان ایشان در حوزه علمیه قم به ۱۲۰۰ نفر هم رسیده بود که در میان آنان ده ها تن از مجتهدین مسلم و شناخته شده حاضر بودند و از مکتب فقه و اصول امام خمینی (ره) بهره می بردند.^۲

۱ - بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴ خرداد ۱۳۸۹.

۲ - انصاری، ۱۳۸۶: ۴-۱۰.

یکی از اساتید حوزوی درباره گستردگی دانش دینی امام خمینی (ره) می‌نویسد: «ایشان در عین آن که از برجسته‌ترین فقهای عصر ما بودند تا آنجا که بسیاری از فقها او را برترین فقیه عصر می‌دانستند، در فلسفه نیز که معمولاً، با فقاقت در حد بالا به ندرت قابل جمع است، احاطه و تسلطی بی‌نظیر داشت، بلکه تا پیش از به راه افتادن حلقه درس فلسفی علامه طباطبایی در قم یعنی دهه‌های اول و دوم قرن حاضر هجری شمسی، عالی‌ترین حوزه‌های درس فلسفی در قم، حوزه درس امام خمینی (ره) بوده است. حوزه درس فلسفه علامه طباطبایی عمدتاً پس از دهه سوم، در حوزه علمیه قم شکوفا شد و از آن زمان به بعد امام خمینی (ره) بیشتر به حوزه درس فقهی پرداخت و به تدریج حوزه درس فقهی امام خمینی (ره)، به برجسته‌ترین حوزه درس فقهی حوزه علمیه قم تبدیل شد. تا آنجا که در دهه سوم و چهارم هجری شمسی یعنی سالهای بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، حوزه درس فقهی امام خمینی از نظر تحقیق و عمق علمی، در زمره اولین حوزه‌های درسی، بلکه برترین حوزه درس فقهی حوزه علمیه قم به شمار می‌رفته است.

از فلسفه و فقه که بگذریم، در عرفان، بدون شک امام خمینی (ره) شخصیت اول حوزه علمیه قم در قرن حاضر، بلکه شخصیت اول کلیه مجامع علمی و عرفانی جهان اسلام به شمار می‌روند. امام خمینی (ره) در زمینه عرفان نظری و عرفان عملی، بی‌تردید از نادرترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است. تسلط ایشان در عرفان نظری، از نوشته‌های ایشان که از بالاترین مضامین عرفانی برخوردار هست آشکار است. شرح بر فصوص الحکم ابن عربی که یکی از مهم‌ترین شروح بر فصوص ابن عربی است، گواه روشنی بر بلند پایگی امام خمینی (ره)، در زمینه عرفان نظریست. شرح دعای سحر و چهل حدیث حضرت امام (ره) علاوه بر آن که احاطه ایشان را بر عرفان نظری نشان می‌دهد، حکایت از اوج مرتبه عرفان عملی حضرت امام (ره) نیز دارد^۳.

گستردگی دانش، تنها یک بُعد از شخصیت امام خمینی (ره) بود؛ بُعد مهم‌تر این که حضرت امام (ره) با توجه به اهمیتی که برای زهد عملی قائل بودند، این علوم و دانش‌ها را درونی کرده و شخصیت و رفتار ایشان را شکل می‌داد، از این رو ویژگی‌های شخصی امام راحل نیز، نمادی از عمل به دستورات و علوم الهی بود. ایشان در عین زهد و ساده‌زیستی، مهم‌ترین مبارز اجتماعی در راه رهایی جامعه از زیر ظلم و ستم و هدایت مردم به سوی حیات طیبه بودند؛ در عین سکوت و خویش‌داری، با بصیرتی نافذ، تصمیمات به موقع و دقیقی را در حکومت‌داری می‌گرفتند و در عین برخورداری از لطافت روح و رحمت و مودت در حق مسلمین، نزدیکان و حتی بازی با کودکان، در مقابل زورگویی ابرقدرت‌های شرق و غرب، با شجاعت نهیب زده و می‌فرمودند: امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

میان گستردگی اندیشه و جامعیت شخصیت امام خمینی (ره) با اعتقاد ایشان به جامعیت اسلام، رابطه مستقیمی وجود دارد، یعنی از آنجا که ایشان به جامعیت اسلام ایمان داشتند، همین اعتقاد و ایمان ایشان را به وادی مختلف علوم

اسلامی و انسانی و برخورداری از ابعاد والای یک انسان الهی سوق می‌داد. حضرت امام(ره) بیانات زیادی در زمینه جامعیت اسلام دارند، اما از باب نمونه ایشان در یکی از سخنرانی‌ها می‌فرمایند: «اسلام یک چیزی نیست که برای یک طرف، قضیه را فکر کرده باشد. اسلام در همهٔ اطراف قضایا حکم دارد. تمام قضایای مربوط به دنیا، مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع، مربوط به اقتصاد، تمام قضایای مربوط به آن طرف قضیه که اهل دنیا از آن بی‌اطلاعند.»^۴

اسلام جامع در اندیشه امام خمینی(ره)، در راستای همان اعتقاد مبنایی تشیع، مبتنی بر یک اصل و مبنا است و تمامی شاخه‌های دین از آن منشعب می‌شود و آن توحید است. ایشان می‌فرمایند: «ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهمترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است... ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید. از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسانهاست.»^۵

نکته مهم این که توحید در اندیشه امام خمینی(ره) یک توحید نظری صرف نیست، بلکه ایشان معتقد است: «جمیع علوم و حتی علم توحید، عملی است و شاید از کلمه توحید که بر وزن تفعیل است، عملی بودن آن نیز استفاده شود، چه که به حسب مناسبت اشتقاق، توحید از کثرت به وحدت رفتن و جهات کثرت را در عین جمع مستهلک و مضمحل نمودن است و این معنی با برهان حاصل نیاید، بلکه با ریاضات قلبیه و توجه غریزی به مالک القلوب، باید قلب را از آنچه برهان افاده نموده آگاه نمود تا حقیقت توحید حاصل شود.» ایشان در ادامه می‌نویسند: «تا این مطلب برهانی به قلب نرسیده و صورت باطنی قلب نشده، ما از حد علم به حد ایمان نرسیدیم و از نور ایمان که مملکت باطن و ظاهر را نورانی کند، بهره و نصیبی نداریم.»^۶

جامعیت اسلام و مبنایی بودن توحید در اندیشه امام خمینی(ره) و به‌ویژه اهمیت توحید عملی در نزد ایشان، به اینجا منتج می‌شود که اسلام را دارای برنامه جامع برای انسان دانسته و خود در جهت عملی‌سازی آن اقدام کنند. ایشان انسان را موجودی چند بعدی می‌دانند و از آن طرف اسلام را دارای جامعیت می‌دانند، بنابراین تنها مکتبی که می‌تواند برای این موجود چند بعدی نسخه زندگی در ابعاد مختلفش تجویز کند، اسلام است. بر این اساس معظم‌له در این باره

۴ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۸.

۵ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۸۷ و ۳۸۸.

۶ - امام خمینی، ۱۳۷۰: ۹۳-۹۴.

می‌فرمایند: «اسلام برای این انسانی که همه چیز است؛ یعنی از طبیعت تا ماورای طبیعت تا عالم الهیت مراتب دارد، اسلام تز دارد، برنامه دارد اسلام. اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع.»^۷

بنابراین حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یک عالم دینی کم‌نظیر، هم به اندیشه‌ای گسترده در حوزه‌های مورد نیاز زندگی فرد مسلمان دست یافت و هم شخصیت ایشان ابعاد مختلف و کاملی از یک مسلمان معتقد را در بر داشت و هم ایمان ایشان به جامعیت اسلام و اهمیت توحید عملی در نزد معظم‌له، او را به ارائه برنامه سیاسی-اجتماعی و رهایی مسلمین از چنگ استبداد و استعمار سوق می‌داد.

بر این اساس در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) می‌توان پاسخ‌های مناسبی برای بسیاری از مسائل پیش‌رو در حوزه سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و هنر، امنیت و.. پیدا کرد؛ نکته مهم غور و بررسی مسائل روز در اندیشه امام (ره) و ارائه آن با زبان و ادبیاتی جذاب و به روز است. در اینجا باید دقت کرد که در بازخوانی اندیشه و شخصیت امام خمینی (ره)، نقطه عزیمت بحث، گستردگی اندیشه و جامعیت شخصیت ایشان است. نکته دیگر این که اندیشه‌ها و شخصیت امام راحل، یک نوع انسجام و پیوستگی درونی با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که نگاه بخش‌گرایانه و تک‌بعدی به ایشان سبب درک ناقص می‌شود. در واقع محوریت توحید در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)، سبب می‌شود تا بر آراء، افعال و خلقیات ایشان یک نوع وحدت و هماهنگی در جهت رسیدن به هدف غایی معظم‌له، که همانا رسیدن به خداست، حاکم باشد. از همین جهت است که از اندیشه امام خمینی (ره) با عنوان مکتب باید یاد کرد. آیت‌الله مطهری در تعریف مکتب آن را یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم می‌داند که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد.^۸

بنابراین نمی‌توان یک بخش از اندیشه حضرت امام (ره) را به صورتی جداگانه و در جهت تأیید نظر خود، تفکیک کرد و این اقدام سبب خوانش انحرافی از مکتب امام (ره) می‌شود. برای جلوگیری از این خطر، باید اصول و مبانی مکتب امام خمینی (ره) را مد نظر داشت. در این باره بهترین منبعی که مبانی و اصول مکتب امام خمینی (ره) را معرفی می‌کند، بیانات مقام معظم رهبری در سالروزهای رحلت امام خمینی (ره) است. رهبر معظم انقلاب در بیست و یکمین سالروز رحلت امام^۹ مبانی مکتب امام (ره) را به روشنی تشریح کرده‌اند و همچنین در سخنرانی پانزدهمین

۷- صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۹.

۸- مطهری، ۱۳۸۷: ۵۴-۴۶.

۹- ۱۳۸۹/۳/۱۴.

سالگرد رحلت امام^{۱۰} نیز به شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته و آن‌ها را برشمرده‌اند که می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد.

اندیشه امام خمینی (ره) و مسائل پیش‌رو

آنچه مسلم است این که غور و بررسی در دریای پهناور مکتب امام خمینی (ره) نیازمند تحقیقات مفصل و گسترده‌ای است و در این مجال تنها می‌توان بهره‌هایی را به صورت اشاره وار از اندیشه امام خمینی (ره) درباره برخی از مسائلی که به نظر می‌رسد در کشور از اولویت برخوردارند، داشت. هدف اصلی در اینجا این که اندیشه و مکتب امام خمینی (ره)، موجودی زنده است که برای مسائل امروز کشور نیز تدابیر و راه کارهای سازنده‌ای را به ما ارائه می‌کند. نکته دیگر این که استفاده از مکتب امام (ره)، نوعی هم‌پوشانی با دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ایجاد کرده و پشتوانه فکری انقلاب اسلامی را تقویت می‌کند، وانگهی اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، در واقع شرح و بسط مکتب امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند. با این مفروض چاره‌جویی برای برخی از مهم‌ترین مسائل جاری کشور را با مراجعه به مکتب امام خمینی (ره) در ذیل دنبال می‌کنیم:

۱- غلبه نگرش مادی بر اقتصاد و بی‌توجهی به پیوست‌های سیاسی و فرهنگی

مروری بر اوضاع کشور گویای این است که به‌رغم وجود موفقیت‌ها و ناکام شدن دشمنان در طرح‌های توطئه منطقه‌ای و جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، با این همه مسائل و مشکلاتی که وجود دارد، مستقیماً زندگی و نیازهای اولیه مردم را تحت‌الشعاع قرار داده است. بدیهی است که واضح‌ترین مشکل در حوزه اقتصاد است و با وجود مشکلاتی همچون بیکاری، تورم، رکود، فساد اقتصادی، فرار سرمایه، مطالبات معوق بانکی مردم و... افزایش نرخ ارز و طلا نیز طی هفته‌های اخیر سبب بالا رفتن قیمت برخی کالاها و ناامیدی و ترس مردم از آینده شده است. این مشکلات اقتصادی که چندین سال است همچنان به صورت مطلوبی حل نشده‌اند، مسئله اقتصاد را به گفته مقام معظم رهبری «در رأس اولویت‌های فوری کشور» قرار می‌دهد، چرا که «اولویت دشمن هم مسئله اقتصادی است».^{۱۱}

مسلم است که مشکلات اقتصادی و چاره‌جویی برای حل آن‌ها را باید با مطالعات و بررسی‌های تخصصی اقتصاد دنبال کرد، اما نکته مهم این که این مسائل و مشکلات ارتباط وثیقی با سیاست و فرهنگ دارند و در شکل‌گیری و یا رفع این مشکلات، این دو حوزه نقشی مبنایی دارند. اساساً آنجا که امام خمینی (ره)، اقتصاد را ابزار می‌دانند و سپس

۱۰- ۱۳۸۳/۳/۱۴

۱۱- بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

اولویت را فرهنگ اعلام می کنند،^{۱۲} می توان چنین تفسیر کرد که اقتصاد باید ابزاری در خدمت سیاست و فرهنگ اسلامی باشد، بنابراین نقطه عزیمت سالم سازی اقتصاد از آموزه های سیاسی و فرهنگی آغاز می شود که ناظر به اقتصاد هستند، یعنی سیاست های اقتصادی و فرهنگ اقتصادی مطلوب می تواند زمینه اقتصاد سالم را فراهم کنند. در این زمینه مکتب امام خمینی (ره)، راه کارهای مفیدی را پیش روی ما قرار می دهد که اتفاقاً با مسائل کنونی جامعه نیز ارتباط سازنده ای برقرار می کند.

نکته مقدماتی و ضروری این که در زمینه مسائل کلان اقتصادی، یعنی دفاع از اقتصاد آزاد یا دولتی، حضرت امام (ره) مکتب اقتصادی اسلام را متمایز از این دو گانه می داند و ضمن پذیرش مالکیت خصوصی، قائل به مشروع بودن و مشروط بودن آن هستند. مسئله مهم در اقتصاد برای ایشان، مشروع بودن یا عدم مشروعیت فعالیت اقتصادی است. به عقیده امام (ره) مالکیت دو قسم است: مشروع و نامشروع و همین مرزبندی، مالکیت افسار گسیخته را محدود و کنترل می کند. به اعتقاد امام راحل، مالکیت های چند میلیاردی از راه مشروع بدست نیامده و باید از صاحبان آن طبق مقررات شرع سلب گردد. قید مشروعیتی که امام (ره) قرار می دهند چه در اصل پیدایش ثروت و چه در مورد ثروت های از پیش فراهم آمده، هر دو باید رعایت گردد و این بهترین وسیله کنترل ثروت و برقراری عدالت اجتماعی است.

در همین جهت یکی از جملات مهمی که دیدگاه اقتصادی کلان امام (ره) را بازگو می کند، آنجاست که می فرمایند: «مسئله مالکیت به یک معنا - مالکیت هم مشروع، هم مشروط - محترم است، لکن معنا این نیست که هر کس هر کاری می خواهد بکند و مالکیت از هر جا بخواهد پیدا بشود. مشروع بودن معنایش این است که روی موازین شرعی باشد، ربا در کار نباشد، مال مردم، استثمار بی جهت نباشد. ... مالکیت در صورتی که مشروع باشد، روی موازین باشد، محترم است - چه ما مرتجع باشیم، چه نباشیم و مالکیت غیر مشروع محترم نیست. ... لکن این معنا باید معلوم بشود که مصادره اموال روی موازین اداری، روی موازین قانونی باید باشد. اگر بنا باشد که هر کس برسد، بریزد و مصادره کند، این هرج و مرج است.»^{۱۳}

اما راه کارهای مبنایی برای حل مشکلات اقتصادی که در مکتب امام راحل می توان جستجو کرد را در ذیل تشریح می کنیم:

۱/۱- قرار دادن اقتصاد در خدمت تکامل معنوی انسان

۱۲ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۸۵

۱۳ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۷۶-۴۷۷

در دیدگاه امام خمینی(ره) هدف اصلی انسان دستیابی به نهایت کمال معنوی که همانا رسیدن به خدا است، می‌باشد و از این رو ایشان می‌فرمایند: «مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست؛ یک مکتب مادی - معنوی است. مادیت را در پناه معنویت، اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان سازی آمده است. همهٔ مکتب‌های توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلفیم انسان بسازیم.»^۴ از نظر حضرت امام(ره): با ساختن انسان است که جامعه سالم و سعادت‌مند ایجاد می‌شود، چرا که «مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود. اگر انسان تربیت شد، همهٔ مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مذهب است، تمام مطالبش حل است. انسان آگاه مذهب همهٔ ابعاد سعادت را برای کشور تأمین می‌کند.»^{۱۵}

این توجه جدی حضرت امام(ره) به تربیت معنوی و روحانی انسان که به فراوانی در بیانات ایشان وجود دارد، به این معناست که اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای باشد که ابعاد معنوی و روحانی فرد را تقویت کند و یا دست کم فرد را به شهوت زراندوزی مبتلا نسازد. این موضوع به معنای لحاظ کردن اهداف و نیات معنوی در فعالیت‌های اقتصادی است؛ نیات معنوی که یک سوی آن کسب رضایت الهی و سوی دیگرش خدمت به خلق است. این مهم با تبلیغ و ترویج آن از همان آغاز تعلیم و تربیت انسان در سنین کودکی ممکن می‌گردد. انسان دینی اگر بر این سیل تربیت گردد، زراندوزی و نگاه مادی به اقتصاد را کم‌تر در نظر می‌گیرد، بنابراین اولین نکته در زمینه اقتصاد از دیدگاه امام خمینی(ره)، تلاش برای معنوی‌سازی آن و قرارداد آن در خدمت تربیت و تعالی معنوی انسان است.

این نگرش به اقتصاد در حالی است که فضای کنونی جامعه با اقتصادی کاسبکارانه مواجهه است و روحیات و خلیات برخی از مردم در زمینه اقتصادی، تمایل به شهوت زراندوزی را به نمایش می‌گذارد. مشاهده رفتار اقتصادی بخشی از مردم در زمینه خرید دلار و طلا و روی آوردن به دلالتی گری در اقتصاد که به اعتقاد اقتصاددانان نقش مهمی در بحران دلار در هفته‌های اخیر داشته است، به این معناست که خودمحموری در رویکردهای اقتصادی برخی از مردم ایران افزایش یافته و اندیشیدن به آینده کشور و رفاه همگانی بسیار کم‌رنگ شده است. در اینجا البته باید به این فکر کرد که چرا نظام اقتصادی کشور سبب شده است تا دلالتی و واسطه‌گری بیشترین جذابیت را برای مردم داشته باشد و فعالیت تولیدی با موانع زیاد مواجه بوده و مورد طرد و اکراه مردم و سرمایه‌داران قرار گرفته است.

۱/۲- تقویت خودباوری با توجه به اهمیت نگاه به دورن

خودباوری مفهوم بسیار مهمی در اندیشه امام خمینی(ره) است که مبنای حرکت و انقلاب فرد مسلمان علیه ظلم و جور و ایجاد نظام سیاسی اسلامی گردید. می‌توان گفت خودباوری زمینه عینیت یافتن عرفان امام(ره) در حوزه سیاست است، یعنی حضرت امام(ره) مبتنی بر مقامات عرفانی که داشتند، طرد همه قدرت‌های مادی و توکل و اعتماد به خدا را

۱۴ - صحیفه امام، ج ۷: ۵۳۱.

۱۵ - همان.

زمینه احیاء خود و تکیه به خویشتن قرار دادند و مردم ایران را به این راه دعوت کردند. مردم ایران در پناه توکل و ایمان حضرت امام(ره) به کمک الهی، خود را یافتند و به خودباوری رسیدند. امام خمینی(ره) بالاترین صدمه مردم ایران از قدرت‌های خارجی را گرفتن استقلال شخصیتی ایرانیان می‌داند و آن را نه یک امر اتفاقی، بلکه «یک مسئله برنامه ریزی شده ای بود که شخصیت را بگیرند از این کشور»، بنابراین ایشان تأکید زیادی بر خودباوری و اعتماد به نفس داشتند و راه نجات کشور را در این موضوع می‌دیدند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم. اول هر چیزی، این باور است که می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد، اراده می‌کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار می‌ایستند، دنبال کار می‌روند. در هر صورت، این باور را باید از گوش [و] مغز خودمان بیرون کنیم و کسانی که گوینده هستند، کسانی که نویسنده هستند، کسانی که فرض کنید در ادارات هستند و اطلاعات دارند، این مطلب را به مردم بیاوراند.»^{۱۶}

خودباوری و اعتماد به نفس در زمینه اقتصادی منجر به اقتصاد تولیدمحور شده و فعالیت‌های دلالتی‌گری و واسطه‌گری اقتصادی را که ارزش راهبردی در اقتصاد ندارند، از رونق می‌اندازد. از سوی دیگر خودباوری در اقتصاد و حرکت به سوی یک اقتصاد تولیدمحور، رابطه نزدیک‌تری با لحاظ کردن معنویت در اقتصاد دارد، به عبارتی یکی از نمودهای معنویت در اقتصاد را می‌توان محوریت تولید دانست، چرا که یکی از ابعاد معنوی اقتصاد، تقویت و شکوفاسازی ظرفیت‌های روحانی انسان است که همانا در امر تولید نمود می‌یابد، یعنی اقتصادی که زمینه تولید، آفرینش و خلق کالا را فراهم می‌کند، معنویت و روحانی‌تر است از اقتصادی که زمینه دلالتی‌گری، واسطه‌گری و رشد بخش خدمات را فراهم می‌سازد. ابداع، ابتکار و آفرینش که ویژگی‌های وجودی انسان هستند، منجر به تولید کالا و محصول می‌شود و یک اقتصاد تولیدمحور، زمینه اشتغال و رفاه دیگران را فراهم می‌سازد و از این رو به رشد معنویت کمک می‌کند.

یکی از بخش‌هایی که اعتقاد حضرت امام(ره) به استقلال اقتصادی و ایستادن کشور روی پای خود را نشان می‌دهد، حمایت ایشان از بخش کشاورزی برای عدم وابستگی غذایی به خارج است. ایشان در این باره خطاب به کشاورزان می‌گویند: «کشاورزان اقرب ناس [به] خدای تبارک و تعالی هستند. ... شغل کشاورزی شغلی بوده است که انبیا هم به او اشتغال داشته‌اند، و انبیا هم رزق خودشان را از راه کشاورزی به دست می‌آوردند. و از نظر سیاسی، در امروز ما چنانچه کشاورزی مان یک کشاورزی سالم و یک کشاورزی متعهدانه و کوشش برای این [باشد] که در ارزاقمان محتاج به خارج نشویم، این یک جهاد است.»^{۱۷}

۱۶ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۱۳-۱۱۷.

۱۷ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۵۹-۲۶۰.

اما وجه دیگر خودباوری، زمینه‌سازی برای کاهش نگاه‌ها و انتظارات مردم از دولت است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نگاه‌ها و انتظارات مردم از دولت‌ها افزایش یافته است و آنان کمتر به ایستادن روی پای خود فکر می‌کنند. بسیاری از وام‌ها و کمک‌های یارانه‌ای دولت که می‌بایست کمکی برای تحرک و پویایی طبقه پائین جامعه و توانمندسازی آن‌ها برای مشارکت در اقتصاد کشور باشد، به رفع نیازهای معیشتی آنان اختصاص یافته است. البته وجود مشکلات اقتصادی و تورم همراه با رکود سبب شده تا طبقه پائین تمام تلاش خود را در راه رفع نیازهای اولیه‌اش صرف کند، اما این موضوع هم ریشه در غلبه بخش غیرتولیدی بر اقتصاد کشور دارد. کمبود تولید و مشکلات پیش‌روی آن سبب افزایش بیکاری و تورم شده است و مشکلات جذب سرمایه نیز رکود را سبب شده است و در مجموع اقتصاد کشور گرفتار یک چرخه‌ای از بحران شده است. در این شرایط، رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلانی همچون اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید و خرید کالا و محصولات ایرانی را مطرح کرده‌اند که مبنای همه این‌ها تقویت خودباوری در مردم، ایجاد انگیزه کار و تلاش و امیدآفرینی است. در واقع بسیاری از مشکلات کشور ریشه در روحیه ناامیدی و فقدان انگیزه‌ای دارد که در جامعه رایج شده و این که اکثریت مردم به مصرف‌گرایی و فعالیت‌های غیرتولیدی روی می‌آورند، یک احساس روانی برای فرار از ناامیدی است.

در بیانات حضرت امام خمینی (ره) علاوه بر خودباوری، موضوع دیگری را می‌بینیم که می‌تواند در کنار خودباوری معنادار باشد و آن حمایت از تعاون و همکاری اجتماعی است. حضرت امام (ره) حفظ روحیه تعاون و همکاری را اسباب پیروزی می‌دانند و نسبت به از بین رفتن این روحیه هشدار می‌دهند.^{۱۸} تعاون و همکاری با تأکید بر خودباوری، می‌تواند زمینه‌ساز اتکاء مردم به خود و افزایش انگیزه و تحرک آنان در پیشرفت کشور باشد، به‌ویژه این که تعاون و همکاری اجتماعی از آموزه‌های اسلام در حوزه اجتماع است و خود در کاهش آسیب‌های اجتماعی و سلامت جامعه بسیار مؤثر است. این موضوع با توجه به تأکیدی که مقام معظم رهبری در زمینه تقویت ساخت درونی قدرت و نظام دارند، معنا می‌یابد.

۱/۳- حمایت از محرومین، مردمی‌سازی اقتصاد و عدالت اقتصادی-اجتماعی

خودباوری، تعاون و همکاری اجتماعی هرچند عوامل مبنایی برای تحرک بخشیدن به جامعه و هدایت آنان به سوی مشارکت اجتماعی و اقتصادی در کشور است، اما در کنار آن باید سیاست‌های مبارزه با فقر مطلق را جدی گرفت. حمایت از کم‌بهره‌ترین افراد جامعه که در مکتب امام خمینی (ره) از آنان به محرومین یاد می‌شود، در هر نظام اقتصادی یک اصل محسوب می‌شود و امام راحل بر این موضوع تأکید زیادی دارند.

در واقع حمایت امام خمینی (ره) از محرومین و مستضعفین، از وضوح و مشهوریت زیادی برخوردار است و بخش زیادی از بیانات ایشان به این موضوع اختصاص دارد. اساساً ایشان انقلاب اسلامی را حاصل مجاهدت محرومان و مستضعفان دانسته^{۱۹} و راه یافتن مستضعفین و محرومین به حکومت را از نعمات الهی می‌دانند و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضور طبقه مستضعف در حکومت را سبب شجاعت سیاستمداران دانسته و می‌فرماید: امروز خاصیت حکومت محرومین این است که خوف به دلشان راه نمی‌دهند. امریکا از آن طرف دریاها نشسته و فرمان می‌دهد بر حکومت های قلدری، همه فرمان می‌برند، حکومت ایران که حکومت مستضعفین است هیچ اعتنا به او نمی‌کند^{۲۰}.

بر این اساس ایشان همواره بر رسیدگی به محرومین و مستضعفین تأکید داشته و در فرازی می‌فرماید: «از همه کسانی که این ملت با زحمت خودش آنها را به مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودشان را برای خدمت [به] این مستضعفین و خدمت [به] این بیغوله نشین های بیچاره و خدمت به این زاغه نشینان صرف کنند. ... همه هم فکر و هم صدا قیام کنید و برای این مستضعفین و برای این ملت که به همه ما و به همه شما منت دارد و حق دارد، برای آنها خدمت کنید.»^{۲۱}

حمایت رهبر کبیر انقلاب از محرومین و مستضعفین ریشه در محوری بودن عدالت در اندیشه معظم له و ضرورت مردمی سازی اقتصاد دارد. عدالت مفهومی محوری و مبنایی در اندیشه امام خمینی (ره) است. «از دید حضرت امام (ره) عدالت نه تنها کیفیتی نفسانی است که انسان را به رعایت تقوا و پاکی و انجام واجبات و ترک محرمات می‌خواند، بلکه دارای بعد گسترده اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز هست. و لذا فضیلتی است که به نهادها، گروه‌ها، شئون اجتماعی و جامعه نیز تعلق می‌گیرد. و جامعه را به سامان می‌آورد و دنیا را اصلاح و سعادت دنیایی و اخروی فرد و جامعه را تأمین می‌نماید. به تعبیر حضرت امام (ره) با ایجاد عدالت و قسط در جامعه «انسان» ساخته می‌شود. انسانی که در مسیر حقیقت و صراط مستقیم حرکت می‌کند. در واقع می‌توان والاترین آرمان و خواسته امام خمینی (ره) را تحقق عدل و قسط و مبارزه با ظلم و ستم دانست. بررسی آراء و افکار امام خمینی (ره) بیانگر این است که عدل بنیان و اساس اسلام و بعلاوه مقصد آن است. حکومت برای تحقق عدل و قسط بوجود می‌آید، وضع و اجرای قوانین بر اساس عدالت صورت می‌گیرد و سیاست و راه بردن جامعه بر اساس موازین عدل و قسط می‌باشد و بر همین اساس تحقق و اجرای عدالت امری اجتناب ناپذیر است که باید سرلوحه هدف تمامی افراد و گروه‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی باشد.»

محوریت عدالت در اندیشه امام خمینی (ره)، ضرورت ایجاد فرصت برابر برای همه آحاد مردم در سرنوشت کشور را ممکن می‌سازد. بر این اساس حضرت امام (ره) حضور و مشارکت مردم در سیاست و اقتصاد کشور را امری مبنایی

۱۹ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۶۱.

۲۰ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۷-۳۰.

۲۱ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۸۷-۲۸۸.

در شکل‌گیری حکومت دینی می‌دانند. ایشان علاوه بر طراحی نظام جمهوری اسلامی که امکان مشارکت برابر مردم در حوزه سیاست را فراهم می‌سازد، نسبت به حضور مردم در اقتصاد نیز توجه ویژه‌ای داشتند. در این زمینه توجه به دیدگاه یکی از اساتید اقتصاد روشن‌کننده است. وی می‌گوید: «پایه‌های فکری حضرت امام (ره) به‌شدت روی نگاه به درون و اتکای به مردم و نیروهای داخلی در همه‌ی ابعاد توسعه و پیشرفت اقتصاد، از جمله تولید، صنعت، علم، فناوری و... است. بعضاً در مواردی مثل جنگ، تحریم، بحث اسرائیل و مشکلاتی که از بیرون می‌توانست بیشتر برای ما مسئله‌ساز باشد، امام (ره) تأکید می‌کردند باید کاری کنیم که تحریم بر ما اثر نگذارد و بر این اساس، باید اولویت‌مان تولید ملی، خودکفایی اقتصادی و اتکای به درون باشد. در بحث کالاهای اساسی، استقلال اقتصادی، تولید و رفع نیازهای مختلف اقتصادی کشور و حتی در زمینه‌ی تکنولوژی‌های برتر، حضرت امام (ره) به‌شدت بر خودکفایی تأکید داشتند. البته باید توجه داشته باشیم که نگاه ایشان متناسب با شرایط بود، اما چه پیش از انقلاب و چه بعد از انقلاب، روی اتکای به مردم و تولید، تأکید بسیار زیادی داشتند.»^{۲۲}

۱/۴- ضرورت قاطعیت و قانون‌مداری در مبارزه با فساد

یکی از موضوعات کلان در اندیشه امام خمینی (ره) که در حوزه اقتصاد هم نمود دارد، قاطعیت و شجاعت ایشان در مبارزه با فساد و قانون‌شکنی به‌معنای اعم آن بود. اساساً هدف و غرض اصلی از تشکیل حکومت در دیدگاه امام خمینی (ره) «جریان یافتن احکام اسلامی در همه بخش‌ها» است و ایشان وقتی از ضرورت رعایت قانون سخن می‌گویند، قانون در جمهوری اسلامی را مساوی با احکام الهی می‌دانند.^{۲۳} بنابراین در فضای بعد از انقلاب که آشفتگی و بی‌نظمی زیادی وجود داشت، ایشان مکرراً بر ضرورت رعایت قانون تأکید کرده و البته در اینجا وظیفه مسئولان و کسانی که در رأس حکومت هستند را بسیار مهم‌تر از مردم می‌دانند. نکته مهم این که معظم‌له خودسازی را مقدمه و ضرورت رعایت قانون در حکومت اسلامی می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: «وظیفه ما این است که هر کدامان، در هر جا که هستیم و در حدی که هستیم، ما جدیت کنیم که قوانین اسلام را از خودمان شروع کنیم. اگر چنانچه ما خودمان خودمان را اصلاح نکنیم و قوانین اسلام را در خودمان اجرا نکنیم، نمی‌توانیم یک حکومت اسلامی تشکیل بدهیم. اگر آن کسی که در رأس حکومت است، مثل مثلاً رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر، اگر خودش اصلاح نکند خودش را و اگر خودش تابع قوانین اسلام نباشد، قوانین اسلام را در مملکت وجود خودش اجرا نکند، این نمی‌تواند حکومت اسلامی باشد و حاکم اسلام باشد... اسلام نمی‌پذیرد یک رئیسی را که بر خلاف قوانین اسلام عمل بکند. لشکر اسلام نمی‌پذیرد یک کسی را که در رأس باشد و عمل به اسلام نکند. نمی‌پذیرد یک اداره‌ای را که احکام اسلام در آن جاری نباشد.»^{۲۴}

۲۲- مرتضی عزتی در گفتگو با برهان، قابل دستیابی به آدرس <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=7257>

۲۳- صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۸۱.

۲۴- صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۸۴.

در گام بعد، حضرت امام خمینی(ره)، جهت رعایت قانون در جامعه و از بین بردن فساد، مسئولیت قضات و دادگستری را بسیار مهم دانسته و با قاطعیت خطاب به آنان ضرورت حفظ حقوق مردم را تذکر می‌دهند. ایشان در این باره خطاب به قضات و دادستان‌ها می‌فرمایند: «جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضات است و در دست این دادگاه‌هاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی اسلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند، و نه آن که - خدای نخواست - گناهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود. قاضی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضیه قاطعیت داشته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکنند؛ جایز نیست. اگر باید - فرض بفرمایید که - حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکنند. و اگر یک کسی - خدای نخواست - یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کنند... اگر چنانچه یک نفر آدم بی‌گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند، این را بدانند که مسئول هستند و همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می‌برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاء الله، نمی‌کنید و نباید بکنید. و همین طور قضات محترم شرع، باید موازین را با دقت، با کمال دقت، موازین را عمل بکنند و - خدای نخواست - یک وقت بر خلاف موازین اسلامی واقع نشود. مایی که مدعی هستیم که جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم، قضیه زندان‌هاست. یکی از امور مهم، قضیه دادگاه‌هاست، دادسراهاست، دادگستری‌هاست. اگر بنا باشد که حالا هم - خدای نخواست - مثل زمان رژیم سابق، در دادگستری‌ها کارهای خلاف شرع بشود، خوب، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم. و این مکرر سفارش شده است که اگر قوانین ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند.»^{۲۵}

در مجموع مکتب امام خمینی(ره)، رویکرد و جهتی را در اقتصاد دنبال می‌کند که نقطه کانونی آن قراردادن حیات مادی در خدمت تکامل معنوی انسان است، اما اجرایی شدن همین رویکرد در ذاتش پیشرفت و توسعه اقتصادی را نیز در بر دارد.

۲- اهمیت فرهنگ و مبارزه با ولنگاری فرهنگی

یکی دیگر از مسائل پیش رو که رهبر معظم انقلاب همواره نسبت به آن هشدار داده‌اند، تهاجم و ناتوی فرهنگی است و در ذیل همین مسئله، ایشان دو سال قبل هشدار دادند که در مسائل فرهنگی نوعی ولنگاری به وجود آمده است. به بیان ایشان: «در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی می‌کنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی می‌کنیم. اهمیت کالای فرهنگی از کالای مصرفی جسمانی کمتر نیست، بیشتر است.»^{۲۶}

بنابراین توجه به موضوع فرهنگ در اندیشه امام خمینی (ره) و رهنمودهای معظم‌له در این زمینه از منظر همان تقویت پشتوانه فکری انقلاب اسلامی اهمیت زیادی دارد. به صورت کاربردی آنچه از بیانات رهبر کبیر انقلاب در زمینه فرهنگ و مسائل کنونی فرهنگی می‌توان دریافت کرد، در چند نکته خلاصه می‌شود:

۲-۱- در نگرش حضرت امام (ره) به فرهنگ، اولین مسئله واری فرهنگ موجود است، یعنی در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توان اصل را بر وضع موجود گذاشت، بلکه قبل از هر چیز باید دید فرهنگ موجود نیازمند تحول بر مبنای آموزه‌های دینی هست یا خیر، از این رو ایشان بزرگترین تحول بعد از انقلاب را ضرورت تحول در حوزه فرهنگ می‌دانند.^{۲۷}

۲-۲- نکته دیگر این که در دیدگاه امام راحل، فرهنگ از حوزه فردی آغاز می‌شود و قبل از همه چیز به برخورداری انسان از شخصیت سالم، معنوی و اخلاقی مربوط می‌شود، بنابراین تربیت افراد جامعه از سنین کودکی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی اهمیت زیادی دارد. حضرت امام (ره) نسبت به این موضوع در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خویش می‌فرماید: «از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز، مسأله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه‌هاست. ... اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوان و جوانان جریان داشتند هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت.»

۲/۳- در گام بعدی، استقلال فرهنگی و عدم وابستگی فکری، مسئله‌ای اساسی است و در اینجا مراکز فکری، دانشگاهی و حوزوی و شخصیت‌های فکری - فرهنگی نقشی بسیار مهم دارند. «دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور. و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می‌آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه‌های علمیه مَهذب باشند و متعهد

۲۶ - بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۵/۳/۱۶.

۲۷ - صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۴۷۳.

باشند، یک کشور را می‌توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد. تمام این، وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاههایی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبتها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده. ریشه اش از این تخصصهای دانشگاهی بوده. این همه ابزار فنای انسان و این همه پیشرفتهایی که به خیال خودشان در ابزار جنگی دارند، اساسش از دانشمندی بوده است که از دانشگاه بیرون آمده اند. دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است. و تمام فسادهایی که در یک ملتی یا ملت ها پیدا شده است از حوزه های علمیه ای بوده است که متعهد به دستورات اسلامی نبوده اند. تمام این ادیانی که ساخته شده است از دانشمندان و علما سرچشمه گرفته است. علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی نبوده است، تهذیب نبوده است، دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است. و دنیا را دانشگاه می‌تواند به صلاح بکشد.»^{۲۸}

در مجموع نقطه کانونی توجه حضرت امام(ره) به فرهنگ، اصلاح انسان و هدایت او به سوی ارزش‌ها و فضایل دینی است و در این مسیر کسب دانش و علم و تمامی آموخته‌ها و تولیدات فرهنگی انسان باید همراه با تهذیب اخلاقی و دینی باشد، در غیر این صورت موجب رهایی و نجات انسان نخواهد شد. تأکید و توجه حضرت امام(ره) به مقوله فرهنگ به مثابه تربیت انسان مبتنی بر معنویت و اخلاق اسلامی، در شرایطی که علم، دانش، اطلاعات و آگاهی‌های فرد ایرانی افزایش یافته است، بسیار اهمیت دارد. این افزایش دانش و اطلاعات سبب شده تا در فضای عمومی جامعه، مقوله تربیت شخصیت انسانی، به حاشیه رود و بسیاری بر خورداری از علم و دانش را به معنای بی‌نیازی از تربیت می‌دانند.

۳- سیاست اخلاقی و مردم‌داری

یکی از مسائل پیش‌رو در حوزه سیاست این که چندین سال است منازعات کلامی و زبانی مختلفی در این حوزه افکار عمومی را به خود مشغول ساخته است و باید توجه کرد که از منظر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، فتنه از منازعات کلامی و بی‌انصافی در گفتار حاصل می‌شود. معظم‌له نسبت به رایج شدن این موضوع در ماه‌های قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ هشدار دادند، و البته بی‌توجهی به رعایت اخلاق در سیاست و دوری از همین منازعات کلامی زمینه فتنه ۸۸ را فراهم کرد. در شرایط کنونی نیز به نظر می‌رسد با گسترش ابزارهای ارتباطی، منازعات کلامی، بی‌انصافی و حتی افشاگری‌های مبهم درباره مسائل مالی افراد و سیاست‌مداران مختلف، فضای سیاسی کشور را آلوده کرده است و در مجموع حوزه سیاست از اخلاق فاصله گرفته است. در این شرایط توجه به سیاست اخلاقی حضرت امام(ره) ضرورت می‌یابد.

ورود حضرت امام(ره) به عرصه سیاست از طریق عرفان است و چنان که گفته شد سیاست‌مداری ایشان را می‌توان عینیت یافتن عرفان معظم‌له دانست، بنابراین اخلاق سیاسی موضوعی مبنایی در اندیشه سیاسی ایشان است. اساساً رهبر کبیر انقلاب، بزرگترین بحران عصر حاضر را انحطاط اخلاقی سیاست‌مداران دنیا می‌دانند و می‌فرمایند: «آن چیزی که

دنیا را تهدید می کند، سلاحها و سر نیزه ها و موشکها و امثال این نیست. آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراسیمه انحطاط قرار می دهد، انحراف اخلاقی است. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ یک از این سلاحهای جنگی به حال بشر ضرر ندارد.»^{۲۹}

پاسخ حضرت امام(ره) برای حل این بحران، ارجاع به همان مبنای اصلی ایشان در جهان بینی است که همانا توحید می باشد. نگرش توحید معظم له به هستی و اجتماعات بشری، سبب دفاع ایشان از توحید کلمه و توحید عقیده در جامعه اسلامی می شود. رهبر کبیر انقلاب، وحدت و اجتماع مسلمین در جامعه اسلامی که مانع از تعدی ظالمین می شود را بر اساس اصل «برادری» دنبال می کنند و «الفت، اخوت، صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری» را عامل رسیدن به خدا و پیروزی جامعه اسلامی می دانند، بنابراین اصل اولیه در جامعه اسلامی رعایت مودت و برادری است.^{۳۰}

رهبر کبیر انقلاب، در شرایطی که چشم تمامی مسلمین جهان به ایشان بود و معظم له را رهبر جهان اسلام می دانستند، درباره خود می فرماید: « عزیزان من، پیش من رهبری مطرح نیست؛ «برادری» مطرح است. خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است: *إِنَّمَا الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ*. در اسلام «رهبری» مطرح نیست. اصلاً بزرگان اسلام ما هم در عین حالی که رهبرهای معنوی بودند، مع ذلک پیششان مطرح نبوده است این معانی. من خدمتگزار شما باشم بهتر است تا اسم رهبری.»^{۳۱}

بر این اساس حضرت امام خمینی(ره) محبت و مودتی فراگیر نسبت به تمامی افراد و جریانات داخلی داشتند و مخالفت آنان با این افراد و جریانات مبتنی بر حب و بغض شخصی نبود و «متدینانی که حتی ایشان را قبول نداشتند، مورد رحمت قرار داده است. مرحوم حاج احمد آقا می فرمود که: امام(ره) مخفیانه به کسانی کمک مالی می کند که بسیاری از آنها را ضدانقلاب می دانند. ملاک حضرت امام(ره) مخالفت با شخص خودش نبود، بلکه تا جایی که امکان داشت در جهت هدایت افراد و توجیه رفتار ایشان کوشش می کرد، تا آنکه خود ایشان از دایره رحمت امام(ره) خارج می شدند.»^{۳۲} بنابراین زمانی با فرد یا جریانی مخالفت می کردند که آنان در مقابل نظام اسلامی قد علم می کردند و معظم له برای دفاع از مصالح اسلام و مسلمین وارد عمل می شدند.

در مجموع سیاست که در نزد حضرت امام(ره) همانا هدفش رشد و ارتقاء جامعه اسلامی به سوی کمال است، بدون فضایل اخلاقی به مقصود نمی رسد و اساساً کار ویژه نظام سیاسی در اسلام، بسط فضایل اخلاقی و جلوگیری از رذایل است. در این وضعیت است که میان مسلمین برادری و اخوت حاصل می شود و توحید کلمه در ذیل کلمه توحید حاصل می گردد.

۲۹ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۶۱.

۳۰ - امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۱۷-۳۱۸.

۳۱ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۵۲.

۳۲ - بروجردی، ۱۳۷۵: ۲۷۹-۲۸۶.

نقش مکتب امام خمینی (ره) در ترویج برادری در جامعه، برآمده از اهمیت حضور مردم در دیدگاه ایشان است. مردم‌داری امام خمینی (ره)، یک موضوع تشریفاتی نبود و به تعبیر مقام معظم رهبری: «وقتی امام بر روی عنصر مردم تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر مردم در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد.» رهبر معظم انقلاب حیطه‌های توجه امام (ره) به مردم را چنین برمی‌شمارند: اول: تکیه نظام به آراء مردم؛ به این معنا که «اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد.»^{۳۳} مقام معظم رهبری در تشریح بیشتر این موضوع در جایی دیگر می‌فرماید: «افرادی گمان نکنند که امام (ره) بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه‌ی به آراء مردم، جزو دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام (ره) هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد.»^{۳۴}

دوم: تکلیف مسؤولان در قبال مردم؛ به این معنا که «در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسؤولیت پیدا کردن مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند.»

سوم: بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن که در همان موضوع احیاء خودباوری ایرانیان توسط امام خمینی (ره) نمود می‌یابد. و چهارم: توجه امام به لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم به این معنا که «هم خود او (امام) به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایق که دشمن سعی می‌کند آنها را مکتوم نگه‌دارد، آشنا کنند.»^{۳۵}

۴- ایمان به ایستادگی در سیاست خارجی

از دیگر مسائلی که امروزه در عرصه سیاسی کشور مطرح است، دو رویکرد سازش و مقاومت در برابر نظام سلطه است. عده کمی از نیروهای سیاسی خارج از قدرت معتقدند که تداوم مقابله با قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا، سبب بالا رفتن هزینه‌های کشور شده و تهدیدات علیه منافع ملی ایران را افزایش می‌دهد. در مقابل بسیاری از نیروهای سیاسی حتی منتقد نظام و به‌ویژه جریان انقلابی معتقد است، سازش با آمریکا سبب فریب خوردن و افتادن در پازل پیچیده آمریکا شده و نه تنها نتیجه‌ای در بر ندارد، بلکه داشته‌ها و سرمایه‌های جمهوری اسلامی که به مدد انقلاب اسلامی

۳۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۸۰.

۳۴- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۹۳.

۳۵- بیانات رهبر انقلاب در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۸۰.

به دست آمده را بر باد می دهد. یک سال قبل مقام معظم رهبری در همین جهت بیان صریحی را ابراز داشتند و فرمودند: «بعضی عقلانیت را در این می دانند و می گویند که «چالش با قدرت ها هزینه دارد» - [البته] اشتباه می کنند - بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور می شود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدف ها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتماد به نفس باشد، هزینه اش بمراتب کمتر از هزینه ی سازش است.»^{۳۶}

این بیان رهبر انقلاب برگرفته از نتیجه بخش بودن ایستادگی امام خمینی (ره) در مقابل قدرت های مادی است. ایمان بیکرانی که حضرت امام (ره) به قدرت و نصرت الهی داشتند، به ایشان شجاعت ایستادن در مقابل قدرت های بیگانه را می داد. دو مقطع و حادثه تاریخی که این موضوع را نشان می دهد را می توان چنین برشمرد: اول: نهراسیدن امام خمینی (ره) از دسیسه های بیگانگان در روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی؛ طی این مقطع احتمالات مختلفی علیه انقلاب اسلامی مطرح بود از کودتا و کشتار بی رحمانه مردم توسط نیروهای گارد شاهنشاهی با حمایت آمریکایی ها تا ترور امام خمینی (ره) و ساقط کردن هواپیمای ایشان در سفر به ایران. در همین زمینه ماجرای پیغام کارتر به امام خمینی (ره) مطرح است. در ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ یعنی دو روز پس از کنفرانس گوادلوپ دو نفر از طرف رئیس کاردستن رئیس جمهور وقت فرانسه و جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا مستقیماً برای امام (ره) پیغامی آوردند. بر اساس این اسناد غیر قابل انکار «کارتر به رغم تعهدات و قرارهای بین المللی رسماً در پیغام خود ضمن دخالت در اوضاع ایران گفته بود «ما از دولت بختیار حمایت خواهیم کرد و بهتر آن است حضرت آیت الله از دولت بختیار حمایت کنند و یا حداقل سکوت کنند. بهتر است حضرت آیت الله برای رفتن به ایران عجله نکنند.» کارتر در ادامه پیغام خود به امام (ره) از احتمال کودتا در ایران سخن گفته بود.^{۳۷}

امام خمینی (ره) در پاسخ به این تهدید کارتر، در پاسخ به نمایندگان دولت فرانسه که این پیغام را آورده بودند، فرمودند: «آقای کارتر اگر حُسن نیت پیدا کرده اند و می خواهند آرامش باشد و خون ها ریخته نشوند، خوب است که شاه را ببرند و دولت [بختیار] را هم پشتیبانی نکنند؛ و به میل ملت که یک امر مشروعی هست و خواسته است؛ از میل ملت جلوگیری نکنند. و اما قضیه کودتا. الآن از ایران به من اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در شرف تکوین است و می خواهند کشتار زیادی بکنند؛ و از من خواسته اند کالاهای آمریکایی را تحریم کنم، و به آمریکا اخطار کنم که اگر چنین کودتایی بشود از چشم شما می بینند؛ و اگر شما حُسن نیت دارید باید جلوگیری کنید. برای من گفته اند، پیغام

۳۶ - بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۹۶.

۳۷ - امین آبادی، «نامه محرمانه امام به کارتر یا هشدار؟!»، خبرگزاری میزان.

داده‌اند، که اگر کودتای نظامی بشود، حکم جهاد مقدس باید داد. من کودتا را نه به صلاح ملت می‌دانم، و نه به صلاح امریکا؛ اگر (کودتا) بشود از چشم شما می‌دانیم.»^{۳۸}

در شب ۲۲ بهمن که دولت بختیار حکومت نظامی اعلام کرده بود، ایشان از مردم خواستند تا بر پشت بام‌ها فریاد الله اکبر سر داده و نهراسند. این شجاعت امام(ره) با محاسبات مادی عوامل شاهنشاهی و امریکا قابل تحلیل نبود، زمینه‌ساز پیروزی انقلاب اسلامی شد. دوم: شجاعت و ایستادگی بی‌نظیر امام راحل در جنگ تحمیلی است که به رزمندگان اسلام روحیه مقاومت می‌داد، در حالی که همه قدرت‌های مادی در مقابل ملت و دولت ایران به‌صورتی عملی و علنی صف کشیده بودند. معظم‌له در بحبوحه جنگ تحمیلی، یعنی در سال ۱۳۶۶ که ناوگان امریکا برای دفاع از کشتی‌های نفتی کویت و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، به آب‌های این منطقه آمده بودند، این اقدام ابرقدرت‌هایی بیگانه را هیاهو دانستند و خطاب به آن‌ها فرمودند: «یک همچو ملتی را نترسانید از اینکه ما چه می‌کنیم. شما هر غلطی می‌خواهید، بکنید و نمی‌توانید هم بکنید.»^{۳۹}

در مجموع امام خمینی(ره) هیچ اعتماد به قدرت‌های بیگانه نداشته و تنها راه را توکل و اعتماد به کمک الهی می‌دانست. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «امام(ره) با صراحت صحبت می‌کرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان می‌کرد، چون اتکاء به خدا داشت، نه اینکه نمی‌دانست قدرتها بدشان می‌آید، نه اینکه نمی‌دانست آنها عصبانی می‌شوند، می‌دانست اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد. ... اینکه امام(ره) به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می‌شد که به وعده‌های آنها اعتنائی نکنند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود - به امام(ره) نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام(ره) به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام(ره) به هیچ گرفت.»^{۴۰}

جمع بندی

اصلی‌ترین مفهوم در مکتب امام خمینی(ره) توحید کلمه و عقیده در ذیل کلمه توحید است و اقتصاد، سیاست، فرهنگ و همه بخش‌های جامعه باید در خدمت این مفهوم قرار گیرد. توحید در دو سطح فردی و جمعی تبلور می‌یابد. توحید در سطح فردی تأکید بر خودسازی و تهذیب نفس، اتکا به خویش‌الهی و دل‌کندن از غیر معنا می‌شود و در سطح جمعی به معنای برادری و برابری، دوستی و مودت فراگیر در جامعه اسلامی و دشمنی با قدرت‌های مادی و سلطه‌گر است. در اینجا ملاک و معیار عینی، احکام و دستورات حکومت اسلامی است که همانا ترجمانی از قوانین

۳۸ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۵۵-۳۷۷.

۳۹ - صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۶۶-۲۷۳.

۴۰ - بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۳۹۴/۳/۱۴.

اسلامی می‌باشند. شکل‌گیری چنین جامعه‌ای تنها با رعایت معنویت دینی ممکن است و در واقع در اندیشه امام خمینی (ره) میان دنیای درون، یعنی تهذیب اخلاق فردی، با ساخت دنیای بیرون رابطه‌ای مستقیم برقرار است. بنابراین در نهایت باید مطالعه و ترویج چگونگی انسان‌سازی که مکتب امام خمینی (ره) می‌آموزد، مبنای حل تمامی مشکلات و مسائل پیش‌رو در حوزه‌های مختلف است. کار بزرگی که امام (ره) انجام دادند این بود که اندیشه‌های دینی والهی را با ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی تلفیق کردند و مدل و الگویی متفاوت از اداره حکومت را ارائه کردند؛ ارزیابی ۴۰ سال این مدل که رهبر معظم انقلاب ادامه دهنده نگاه و حرکت امام (ره) بودند، نشان می‌دهد که در برخی از حوزه‌های کارکردی نظیر امنیت، استقلال سیاسی، آزادی، تولید علم و پیشرفت عملکرد این مدل موفقیت آمیز بوده است و در برخی از حوزه‌ها نظیر عدالت اجتماعی توفیقات نسبی بوده و البته در حوزه حل و فصل مسائل اقتصادی بدلیل اینکه به سمت درونی‌سازی اقتصاد و استفاده از همه ظرفیت‌های داخلی حرکت نکرده‌ایم، نتوانسته‌ایم به نقطه مطلوب و مورد انتظار دست یابیم. اما در شرایط کنونی که با خروج آمریکا از برجام امیدها به بهبود شرایط اقتصادی از طریق روابط خارجی در حال کم‌رنگ شدن است، انتظار می‌رود که بیش از پیش مطابق رهنمودهای امام (ره) و رهبری به فعال کردن اقتصاد درون‌زا و اقتصاد مقاومتی روی آوریم.